

### گزارش

## معلمان مدارس غیردولتی را «کارگر» بنینیم

وزیر آموزش و پرورش با تاکید بر اینکه بعد از سال‌ها به این نتیجه رسیدیم که معلم مدرسه غیردولتی را کارگر بنینیم و یک معلم بینیم و زمان ساعت کار را ۴۴ ساعت به ۳۰ ساعت برسانیم، گفت: یکی از چالش‌های موجود در این سازمان، نیروی انسانی است؛ معلمان در این مدارس باید از کزینش‌های استاندارد و صلاحیت‌های حرفه‌ای برخوردار باشند. علیرضا کاظمی با حضور در سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی با اشاره به اینکه این سازمان ۲۰ هزار مدرسه و ۲.۵ میلیون دانش‌آموز را راهبری می‌کند، بیان کرد: این اقدام‌ها و فعالیت‌ها، کار بسیار سنگین و سختی است و جای تقدیر و تشکر دارد. وی با اشاره به فعالیت‌های فرهنگی این سازمان افزود: موضوعات فرهنگی، علمی و آموزشی موضوعات صنعتی نیستند که به فوریت اثر خود را نشان دهند، بلکه طی سال‌ها اثر خود را برای اوج‌هاوند گذاشت.

کاظمی ادامه داد: شایسته است مدارس غیردولتی در حوزه‌های کیفی مانند المپیادها، میانگین معدل و عرصه‌های ملی و بین‌المللی نیز به صورت گسترده‌ای فعالیت کنند. هرچند بی شک این سازمان در این عرصه‌ها نیز موفقیت‌های چشمگیری داشته است. توجه به تقویت حوزه پرورش‌ی در این سازمان کاملا مشهود است؛ زیرا از همه ظرفیت‌ها و تشکل‌ها استفاده شده است. این سازمان در امر نماز نیز موفقیت‌هایی را کسب کرده که بسیار ارزشمند است.

وی با اشاره به اینکه مدارس غیردولتی بار مهمی از نظام تعلیم و تربیت را به دوش می‌کشند، گفت: اینکه می‌گوییم مدارس غیردولتی به توسعه عدالت کمک می‌کنند، به این منظور است که این مدارس بار بزرگی را در تهران برمی‌دارند که می‌توان از این ظرفیت در مناطق محروم استفاده کرد. اگر بخواهیم به ازای دومیلیون و ۵۰۰ هزار دانش‌آموزی که در مدارس غیردولتی تحصیل می‌کنند برای هر ۲۵ دانش‌آموز یک کلاس و مدرسه بسازیم، نیاز به صد هزار کلاس درس داریم که این مسئله به بودجه و اعتبار زیادی نیاز دارد.

وی ادامه داد: این سازمان از منظر اقتصادی به اقتصاد آموزش و پرورش و در نهایت به اقتصاد کشور کمک می‌کند. کمک به اقتصاد کشور هم روش است؛ زیرا ۳۰۰ هزار اشتغال ایجاد کرده است و این یعنی افزایش تولید ناخالص ملی که از ارزش‌های این سازمان محسوب می‌شود.

به گفته کاظمی، مهم‌ترین دستاورد مدارس غیردولتی، کمک به ارتقای نظام تعلیم و تربیت کشور از منظر تربیتی و آموزشی است. در مجموعه مدارس غیردولتی موفقیت‌های چشمگیری داریم؛ زیرا مدارس نمونه و تراز فراوانی در این مجموعه فعال هستند که در راستای برنامه‌های نظام تعلیم و تربیت حرکت می‌کنند.

وی افزود: مدارس الگو و دانش‌آموزان نمونه‌ای که در برخی از مدارس غیردولتی با مدارس دولتی و میباد مقایسه می‌شوند، این سازمان توانسته است مدارس الگو، استاندارد و تراز ی را به جامعه عرضه کند.

کاظمی با تاکید بر سیاست‌گذاری و ریل‌گذاری برای استفاده بهتر از این مجموعه، گفت: این ریل‌گذاری در حوزه‌های قانونی، زیرساخت‌های سخت‌افزاری و در حوزه منابع انسانی است. یعنی بعد از سال‌ها به این نتیجه رسیدیم که معلم مدرسه غیردولتی را کارگر بنینیم و یک معلم بینیم و زمان ساعت کار را از ۴۴ ساعت به ۳۰ ساعت برسانیم. معتقدم یکی از چالش‌های موجود در این سازمان، چالش نیروی انسانی در مدارس غیردولتی است. معلمان در این مدارس باید از کزینش‌های استاندارد و صلاحیت‌های حرفه‌ای برخوردار باشند. هرچند سازمان مدارس غیردولتی خصوصی است، اما حاکمیتی محسوب می‌شود.

او در ادامه به دو سیاست کلان در این حوزه اشاره کرد و گفت: سیاست مربوط به توسعه کمی و کیفی مبتنی بر آمایش سرزمینی است که بسیار اهمیت دارد. توسعه باید مبتنی بر نیاز باشد. در نگاه همه برنامه‌هایی که در سازمان دنبال می‌شود، این سیاست هم باید دنبال شود و برای آن برنامه‌های ویژه‌ای طراحی شود. سیاست بعدی هم که کمتر به آن پرداخته شده اما بسیار مهم است و به اساس این سازمان ضربه وارد می‌کند، توسعه و تقویت نظارت همه‌جانبه است. آنچه امروز به مدارس غیردولتی آسیب وارد می‌کند، این بخش است. بنابراین اگر به این دو سیاست توجه شود، همه اقدامات ذیل همین سیاست‌ها انجام می‌شود. نظارت، مشمول موارد حرکت در مسیر نظام تعلیم و تربیت است؛ پایبندی به برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران و سند تحول بنیادین می‌شود.

کاظمی با اشاره به شان نظارتی شورای نظارت بیان کرد: تقویت امر نظارت در مدارس غیردولتی بسیار اهمیت دارد. بنابراین باید شان نظارتی شورا و حوزه‌های غیردولتی تقویت شود. باید نگاه‌مان به مدارس غیردولتی حمایتی باشد نه نگاه رقابتی. مدارس غیردولتی جزئی از آموزش و پرورش نیستند، بلکه همراه آموزش و پرورش هستند. بارها گفته‌ام در دل آموزش و پرورش چیزی به نام مدرسه غیردولتی وجود ندارد، بلکه مدرسه آموزش و پرورش هستند. ضرورت دارد نگاه دوقطبی را از فضای تعلیم و تربیت و فضای عمومی برداریم. همه زیر یک چتر به نام تعلیم و تربیت کار می‌کنیم.

او به بخش شوروها و مدارس از راه دور اشاره کرد و گفت: این دو، بخش‌های مهم و اثرگذار آموزش و پرورش هستند. هیچ ظرفیتی در آموزش و پرورش به اندازه شوراهای آموزش و پرورش وجود ندارد. ظرفیتی که صدها آورده دارد. البته نتوانستیم آن‌گونه که شایسته است از شوروها استفاده کنیم. در قانون شوروها بازنگری‌هایی هم صورت گرفته است. معتقدیم از طریق قانون شوروها باید بسیاری از اختیارات را واگذار و تفویض کنیم تا فرایند تصمیم‌گیری برای تعلیم و تربیت جایگزین شود. آموزش از راه دور یکی از بخش‌های بسیار مهم در جهت جبران عقب‌ماندگی در برخی بخش‌ها به‌ویژه بازماندگان از تحصیل است. باید همین بخش را با روش‌های معطنه‌انگه‌تری نسبت به بازماندگان از تحصیل ایجاد کنیم. معتقدم در این حوزه باید دست‌ودلبازی کنیم و اختیار بدهیم تا بتوانیم دانش‌آموزی را که بنا بر دل‌یلای کار می‌کند، به آموزش وصل کنیم.

به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی و روابطعمومی وزارت آموزش و پرورش، در ابتدای این نشست، احمد محمودزاده، رئیس سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی، گفت: تقویت و نهادینه‌سازی مشارکت اثربخش از مهم‌ترین اهداف سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی است. ۱۵ درصد مدارس کشور را مدارس غیردولتی تشکیل می‌دهند، که هم از لحاظ آموزشی و تربیتی و هم به لحاظ منابع مالی و اقتصادی، کمک بسیار ارزشمندی به دستگاه تعلیم و تربیت کشور کرده‌اند. وی با اشاره به اینکه حدود ۲۸۰ هزار نیرو در مدارس غیردولتی مشغول به تدریس و همکاری هستند، اظهار کرد: این مهم، علاوه بر نقش ارزنده آن در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان، در مبحث اشتغال‌زایی نیز رقم درخور توجهی را به خود اختصاص داده است.

رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی وزارت آموزش و پرورش با اشاره به اینکه ۲۶/۳ درصد از مدارس کشور را نیز مدارس هیئت‌انمائی تشکیل می‌دهند، گفت: یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار دانش‌آموز در مدارس هیئت‌انمائی مشغول به تحصیل هستند؛ از این‌رو ضرورت دارد در راستای ارتقای سطح کیفی فعالیت‌های آموزشی و پرورشی آنها حرکت کنیم.

همچنین ۲۴۰ هزار دانش‌آموز در هزار و ۷۷۰ مدرسه در هفت منطقه آزاد تجاری و صنعتی کشور مشغول به تحصیل هستند. معاون وزیر آموزش و پرورش با تاکید بر اینکه ۹۸۶ مدرسه غیردولتی نمونه نمازی در سطح کشور فعال هستند، تصریح کرد: اشمال حدود ۱۱ هزار نیروی متخصص در حوزه معاون و معلم پرورشی در مدارس غیردولتی جذب شده است.

### «شرق» نظریه انتقال پایتخت به منطقه مکران را در گفت‌وگو با کارشناسان بررسی کرد

# رهاسازی تهران؟

**شادی مکی:** «پایتخت آینده قطعا جنوب و منطقه مکران است»؛ این اظهارنظر فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت است که در نشست خبری روز گذشته او مطرح شد: «دو شورا هم تشکیل شده است؛ یک شورا که مشکلات پایتخت را بررسی می‌کند و شورایی هم درباره اقتصاد دریامحور کار می‌کند. البته به ظرفیت‌هایی در منطقه مکران نیاز است، به همین جهت ما از همین‌جا اعلام می‌کنیم که از همه دانشگاهیان، نخبگان و خیرگان اعم از نیروهای مهندسی یا جامعه‌شناسی یا اقتصاددانان کمک می‌گیریم. فعلا درواقع داریم درباره این مسئله کار می‌کنیم تا بتوانیم موضوع را به سمتی ببریم که بهترین اثربخشی را داشته باشد، اما موضوع آن‌قدر فوری نیست». یک روز پیش از او هم محمدرضا باقری، معاون اول رئیس‌جمهور، از ظرفیت مناسب مکران برای تبدیل‌شدن به پایتخت کشور گفت: «انتقال پایتخت به نیمه شرقی کشور با توسعه مکران انجام‌شدنی است. اگر به این جمع‌بندی برسیم که به خاطر محدودیت‌هایی که در ارائه خدمات مثل آب به مردم تهران داریم، نمی‌توانیم بیش از این پاسخ‌گوی مردم باشیم، قطعا در انتقال پایتخت تردید نمی‌کنیم و یکی از مناطقی که می‌تواند به‌صورت جدی مطرح باشد، منطقه مکران است. این منطقه جای مناسبی است و محدودیتی هم ندارد».

چنین اظهارنظرهایی درباره انتقال پایتخت، آن‌هم از سوی نمایندگان دولتی که همواره بر تخصص‌محور بودن تاکید داشته، بسیار عجیب است. کم‌اینکه موضوع انتقال پایتخت که دهه‌هاست مورد توجه برخی سیاستپون قرار گرفته، همواره از سوی متخصصان و به‌ویژه کارشناسان حوزه شهرسازی مورد انتقاد بوده است. بسیاری از متخصصان این اقدام را تنها راهکاری به‌شدت پرهزینه برای گریز از حل مشکلات تهران می‌دانند.

شورای نگهبان در اردیبهشت سال ۱۳۹۴ طرح امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور و تمرکززدایی از تهران را تایید کرد. در آن زمان، پیروز حناچی که مسئول دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری بود، هزینه انتقال پایتخت را در حدوده ۷۸ میلیارد دلار برآورد کرد. در اردیبهشت اسمال نیز احمد وحیدی، وزیر وقت کشور، اعلام کرد که برای انتقال پایتخت هزینه‌گزافی در حدود صد میلیارد دلار بودجه لازم است. هزینه‌ای سرسام‌آور برای کشوری تحریم‌شده که اتفاقا متخصصان راهکارهای کم‌هزینه‌تری را برای رفع مشکلات پایتخت سراغ دارند. ماجرا اما وقتی عجیب‌تر می‌شود که نام یکی از دور از دسترس‌ترین مناطق کشور که اتفاقا منطقه‌ای مرزی هم هست، به‌عنوان پایتخت ایدئال انتخاب مطرح می‌شود؛ البته بعد از توسعه‌یافتگی ضروری این منطقه. حالا سؤال این است که نظر متخصصان درباره انتقال پایتخت و به‌ویژه انتقال آن به مکران چیست و این اظهارنظرها تا چه میزان مورد توجه دولت متخصص‌محور مسعود پزشکیان قرار خواهد گرفت؟

### انتقال پایتخت حلال مشکلات نیست

«با توجه به تخصص و تجربه کاری که دارم، با ایده انتقال پایتخت به‌طور کامل مخالفم و این اقدام را حلال مشکلات تهران نمی‌دانم». این نظر علی بیاب‌اللهی، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی و مدیرگروه بخش زلزله‌شناسی این مرکز است. او در ادامه به «شرق» توضیح می‌دهد: «با انتقال اسمی پایتخت از یک محل به محلی دیگر، نه‌تنها مشکلات تهران حل نمی‌شود بلکه تا حدود زیادی حل نشده‌اند. با مشکلاتش به حال خود رها می‌شود و حتی توجهی که به دلیل پایتخت‌بودن و مرکزیت هندسی آن به این شهر می‌شود، به تدریج تحلیل می‌رود. با انتقال پایتخت، ساختمان‌ها، بافت فرسوده، زیرساخت‌ها، بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها و جمعیت تهران که به پایتخت بعدی منتقل نمی‌شوند. برای احداث مشابه این امکانات در محلی دیگر، بودجه کلانی لازم است که تأمین آن طی ده‌ها سال ممکن است. بنابراین تهران کارکرد خود را همچنان خواهد داشت». او به انتقال بخشی از جمعیت تهران به پایتخت مقصد اشاره می‌کند: «این درصد کم، عمداً از کارکنان دولت و وزارتخانه‌هایی هستند که مجبور به انتقال شده‌اند. این با وجود، ساختمان‌های مسکونی تهران خالی نخواهند ماند. آن‌قدر اشتیاق برای مهاجرت به تهران به دلیل زیرساخت‌ها، امکانات و شرایط این شهر زیاد است که جمعیت جایگزین خواهد شد. این مسئله هم مشکل تهران را حل نمی‌کند، بلکه آن را ابدیاشته می‌کند. درواقع این نگرانی وجود دارد که با انتقال پایتخت، مسائلی مانند بافت فرسوده، خطر زلزله در تهران، کم‌آبی این شهر و فرونشست آن رها شوند. آیا هدف از انتقال پایتخت فرار از مشکلات است یا حل آنها؟».

### راهکارهای کم‌هزینه‌تر

بیاب‌اللهی اضافه می‌کند که اگر مشکل پایتخت کمبود آب است، با رویکردهای درست در حوزه کشاورزی و صنعت و سایر حوزه‌های پرمصرف، آب تهران به راحتی تأمین می‌شود: «اگر این گزینه را به لحاظ هزینه‌ای با انتقال پایتخت مقایسه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که گزینه اول مناسب‌تر و کم‌هزینه‌تر است. به‌علاوه، اینکه هرقد هم منطقه‌ای برای پایتخت‌شدن مناسب باشد، اما این انتقال مشکلاتی را برای منطقه مذکور ایجاد می‌کند. اینکه پهنه‌ای را به‌صورت تصنعی انتخاب و به‌عنوان مرکز کشور قلمداد کنیم، واقع‌بینانه نیست. نیاکان ما در طول صدها سال در اقصی نقاط کشور گزینه‌های مناسب زیست و زندگی را در کل پهنه‌های ایران پیدا کرده‌اند و توسعه این مناطق هم متناسب با پتانسیل‌های اقلیمی، آب‌وهوا و… بوده است. نمی‌توان به منطقه‌ای رشد تصنعی داد. درواقع رشد و توسعه به این صورت نیست که منطقه‌ای به‌صورت مکانیکی رشد کرده و منطقه دیگر خالی از سکنه شود». به گفته این استاد دانشگاه، مشکل ما در کشور تنها تهران نیست، بلکه سکونتگاه‌های کلانی است که به‌صورت نامتوازن و نامکنن پرتراکم شده‌اند: «علت این ماجرا، پایتخت‌بودن تهران نیست، بلکه علت اصلی میل به مهاجرت به کلان‌شهرها ازجمله اصفهان، شیراز، مشهد، تبریز… و… یا حتی حواشی آنها، اشتغال‌زایی و معیشت است. با علم به این دلیل، راهکار مشخص است؛ یعنی «توزیع متناسب مشاغل»، «امکان درآمدزایی» و «امکان زندگی در اقصی نقاط کشور». این موارد هم به داشتن اقتصادی پویا وابسته است. بنابراین نیازی نیست که به‌صورت اجباری و فیزیکی مردم را از جایی به جای دیگر منتقل کنیم. وقتی مردم مشاهده کنند که در محدوده زندگی و سرزمینی‌شان زیرساخت‌های قابل قبول و امکان اشتغال و معیشت وجود دارد، هیچ ضرورتی برای زندگی در حواشی کلان‌شهرها و تحمل شرایط سخت آن نمی‌بینند. اگر واقعیات را درست ببینیم، راهکارهای ما هم درست خواهد بود».

### توان اقتصادی نداریم

او تاکید می‌کند که با توجه به توان مدیریتی و ظرفیت‌های اقتصادی کشور، طرح این نوع مسائل، مشکلات کشور را افزایش خواهد داد: «برای پایتخت‌شدن یک منطقه عواملی مانند مرکزیت هندسی، شرایط اقلیمی و شرایط سکونتگاهی بسیار مهم هستند. بی دلیل نیست که یک محدوده توسعه می‌یابد و جمعیت بزرگی از استان‌های مختلف به آن محدوده مهاجران می‌کنند. اگر این دلایل را بشناسیم، می‌توان با برنامه‌ریزی درست تمرکز جمعیت را اندکی ساماندهی کرد و مشکلات شهری تهران را به بهترین نحو حل کرد. برای من مسلم است که با انتقال پایتخت نه مشکلات تهران حل می‌شود و نه منطقه مقصد توسعه چندانی خواهد داشت، بلکه ترددها و… مشکلات عیدیه‌ای برای مردم خانواده‌ها ایجاد می‌کند. باید به این ریسک‌ها هم توجه کرد. آیا مطالعاتی درباره این مسائل انجام شده است؟». عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی این را هم می‌گوید که با توان اقتصادی فعلی ما، انتقال پایتخت مقدور نیست: «برای زیرساخت‌ها و توسعه پایتخت بعدی نیاز به اعتبارات هنگفتی داریم که باید مازاد بر نیاز جاری کشور باشد تا بتوانیم حداقل پتانسیل‌ها و امکانات لازم برای پایتخت‌شدن در یک منطقه را ایجاد کنیم. پایتخت باید زیرساخت آب‌وهوایی، محیط‌زیستی و… مناسب داشته باشد. به‌علاوه اینکه توان احداث مراکز، ستادها، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و… را داشته باشد. این اقدام چندین میلیارد دلار هزینه لازم دارد که در طول سالیان طولانی باید در نقطه‌ای ذخیره شود که احساس می‌کنیم توان و استعداد پایتخت‌شدن را دارد». او تاکید می‌کند که اگر منطقه‌ای این میزان برای پایتخت‌شدن مطلوب بود، تا امروز تبدیل به سکونتگاهی بزرگ شده بود. درواقع انتخاب سکونتگاه‌ها و… از طرف نیاکان ما در استمرار سالیان بدون تدبیر نبوده است. آنها آزمون و خطا کرده‌اند تا به این نتیجه رسیده‌اند که کجا توان پایتخت‌شدن دارد و کدام منطقه چنین توانی ندارد.

بیاب‌اللهی می‌افزاید: «ما امروز مدیریت منابع آبی، آلودگی هوا، فرونشست زمین، نوع کشاورزی و… را که به‌صورت مشخص می‌توانیم اقدامات ترمیم‌شد داشته باشیم، انجام نمی‌دهیم. اگر خودروهای پرمصرف و فاقد توجهی اقتصادی را از سویک تولید خارج و خودروهایی با راندمان بالا، کیفیت سوخت خوب و… را به چرخه حمل‌ونقل کشور وارد کنیم، مشکل آلودگی هوا حل می‌شود. اما دوستان می‌خواهند همین رویه‌های اشتباه در تهران ادامه یابد و در نقطه‌ای دیگر هم همین رویه‌ها را م‌تراکم کرده و مشکلات مشابه ایجاد کنند. وقتی راهکارها مشخص و بسیار کم‌هزینه‌تر از انتقال پایتخت است،



چرا در این راستا اقدام نکنیم؟ تجربه نشان داده است که انجام ناقص ی‌کار بزرگ از انجام‌ندادن آن بسیار پرخطرتر و مشکل‌آفرین‌تر است. تنها دو، سه سال بعد از انتقال پایتخت به این نتیجه خواهیم رسید که اگر تهران می‌ماندیم بهتر بود».

### اهمیت مرکزیت هندسی پایتخت

به گفته این استاد دانشگاه، انتقال پایتخت نیاز به سال‌ها مطالعه، بررسی، نظرسنجی و ژرف‌اندیشی بیشتر دارد: «باید مرکزیت هندسی برای پایتخت‌شدن یک منطقه را جدی بگیریم. با توجه به مرکزگرایی مدیریت کشور بسیاری از امور در پایتخت متمرکز است. حالا اگر جنوب شرقی کشور پایتخت شود و یک نفر از شمال غربی برای امور خود قصد سفر به این منطقه را داشته باشد، باید چند روز در راه باشد؟ تجربیات کشورهایی که پایتخت خود را منتقل کرده‌اند، نشان داده است که یکی از دلایل این اقدام آنها نبود مرکزیت هندسی پایتخت قبلی بوده است. جایگاه و اقلیم مناسب تهران در کنار زیرساخت‌های آن که ثروت ملی کشور است، نباید نادیده گرفته شود». به گزارش «شرق» تصمیم به انتقال پایتخت، جدا از میزان منطقی‌بودن یا منطقی‌نبودن آن ابعاد دیگری هم دارد، به این معنی که یافتن منطقه‌ای مناسب به‌عنوان پایتخت بعدی قطعا نیازمند پیوست‌های مطالعاتی دقیق و توجه به ضروریات اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی انتخاب پایتخت است. حالا سؤال این است که منطقه مکران حتی در صورت توسعه-که البته ضرورتی انکارناپذیر است- با توجه به مرزی‌بودن، دور از دسترس بودن برای نقاط مختلف کشور یا همان نداشتن مرکزیت هندسی و همچنین با توجه به بافت فرهنگی و جمعیتی آن، منطقه‌ای مناسب برای تبدیل‌شدن به استراتژیک‌ترین منطقه کشور یعنی پایتخت است؟ سؤالی که احسان هوشمند، پژوهشگر ایران‌شناسی در گفت‌وگو با «شرق» به آن پاسخ می‌دهد.

### انتقال پایتخت بدون ملزومات مدیریتی و مطالعاتی

احسان هوشمند، ایران‌شناس و پژوهشگر مطالعات منطقه‌ای، با اشاره به اینکه دهه‌های متمادی است که گفت‌وگو درباره انتقال پایتخت ادامه دارد، می‌گوید: «تفکر درباره جابه‌جایی پایتخت تاکنون بدون توجه به ملزومات مطالعاتی، امکانات موجود کشور و بدون توجه به مشکلات و پیچیدگی‌های این اقدام صورت گرفته است. این از مختصات ساختار حکمرانی در ایران است که به پیچیدگی‌ها توجه نمی‌کند و ساده‌سازی مسائل را بهترین راه‌حل می‌داند. به‌عنوان مثال در سال ۱۳۶۱ دو شهرستان ذرفول و اندیشک از هم جدا شدند اما بعد از گذشت ۴۲ سال همچنان پایان حریم ذرفول و آغاز حریم شهر اندیشک محل مناقشه است و به دلیل نزاع‌های خونینی که بر سر همین مسئله در چهار دهه گذشته رخ داده، هیچ‌یک از دولت‌ها موفق به مشخص‌کردن حریم این دو منطقه نشده‌اند. با وجود چنین وضعی در مدیریت کشور، بعید است که انتقال پایتخت با ابعاد بسیار پیچیده آن امکان‌پذیر باشد».

او به طولانی‌شدن روند توسعه مکران هم می‌پردازد: «تا به حال مدیریت این منطقه برای توسعه آن، چندین بار تغییر کرده و به سازمان‌ها و وزارتخانه‌هایی مختلف واگذار شده، اما با وجود این تغییرات و با گذشت سال‌های طولانی و تغییر چند دولت از طرح مسئله توسعه سواحل مکران هنوز مدیریت کشور نتوانسته است در این زمینه به یک مدیریت منسجم رسیده و در این زمینه تعیین تکلیف کند. این نوع نابسامانی‌ها و ضعف‌های مدیریتی در کشور مثال‌های بسیاری دارد که موضوع انتقال پایتخت را تحقق‌ناپذیر می‌کند». این پژوهشگر ایران‌شناسی با تاکید بر اینکه بسیاری از نخبگان محلی قطعا از هرگونه ایده کارشناسی‌شده درباره توسعه سواحل مکران استقبال می‌کنند، می‌گوید: «توسعه مکران طرحی بسیار مهم است اما هنوز برای توسعه آن از توجه به مواردی مانند توسعه دریایی، انتقال و توسعه صنایع آب‌ساز مانند ترومیشمی‌ها به سواحل این منطقه و توسعه حمل‌ونقل آبی با وجود حضور این منطقه در کنار آب‌های بین‌المللی و همچنین توسعه راه‌ها و دیگر زیرساخت‌های حمل‌ونقلی غافل بوده‌ایم. درواقع ما هنوز نتوانسته‌ایم زیرساخت‌های ضروری برای توسعه این منطقه را پیش ببریم که با نگاهی به روند موجود برای توسعه این منطقه احتمالا هزاران سال وقت لازم است».

### وضعیت پیچیده مکران به لحاظ امنیتی

هوشمند معتقد است که بخشی از جامعه محلی و به‌ویژه روحانیون از پایتخت‌شدن این منطقه استقبال نخواهند کرد: «نخست آنکه این سؤال مطرح است که کدام طرح بزرگ در کشور از سوی دولت‌های مختلف اجرا شده که به تخریب زیست‌بوم، محیط زیست و محیط اجتماعی منطقه منجر نشده است؛ مانند آنچه بر سر منطقه سلسویه آمد و به دلیل حضور کارگران مجرد و دور از خانواده مسائل بسیار پیچیده‌ای در آن منطقه شکل گرفت. همچنین با توجه به پایین‌بودن سطح ارتباطات بین‌المللی کشور و برخوردارزنبودن از تکنولوژی به‌روز و مدرن فعالیت‌های توسعه‌ای ما منجر به تخریب محیط زیست، آلودگی دریاها و… می‌شود». او بر این موضوع نیز تاکید کرد که توسعه این منطقه بدون توسعه استان‌های سیستان وبلوچستان، هرمزگان و جنوب استان کرمان می‌تواند به چالش‌های بزرگ‌تری منجر شود: «اگر حتی چند کارگاه و تعدادی از تأسیسات اولیه در این منطقه گذاشته شود، میلیون‌ها مهاجر به منطقه هجوم می‌آورند و موجب تشدید حاشیه‌نشینی بزرگ در این منطقه می‌شوند. به سخن دیگر بدون توجه به آمایش سرزمینی کشور و آمایش منطقه نمی‌توان طراحی موفقی درباره توسعه سواحل مکران داشت». این تحلیلگر مطالعات منطقه‌ای این را هم می‌گوید که مراکز مهم سیاسی، اقتصادی و پایتخت‌های دریاها و… در این منطقه فعالیت می‌کنند و گاه دست به عملیات تجاری در منطقه‌ای و جهانی در معرض خطر نباشند: «حالا پرسش این است که آیا در جنوب شرقی کشور تمام زیرساخت‌های لازم ازجمله زیرساخت‌های اقتصادی، فرهنگی و امنیتی برای جابه‌جایی مرکز قدرت کشور مهیاست؟ توجه‌کنید که منطقه مکران در مجاورت منطقه قبیله‌ای بلوچستان پاکستان قرار دارد؛ منطقه‌ای که دولت پاکستان بر آن کنترلی ندارد، به نحوی که دائما عملیات تروریستی در این منطقه انجام می‌شود. البته بخشی از بحران این منطقه هم به ایران سرایت کرده است. گروه‌های تجزیه‌طلبی مانند انصارالرفرقان، حبیش‌العدل و… در این منطقه فعالیت می‌کنند و باید نظارت‌های امنیتی ایران می‌زند که هرازگاهی اخبار آن در کشور منتشر می‌شود». او این سؤال را مطرح می‌کند که با توجه به شرایط امنیتی مکران که به دلیل هم‌مرزبودن آن با بلوچستان پاکستان ایجاد شده، آیا این منطقه برای تبدیل‌شدن به پایتخت مناسب بوده و برای این وضعیت فکری کرده‌ایم: «درحال حاضر روزانه هزاران شهروند افغانستانی از همین منطقه به ایران مهاجرت می‌کنند و اگر بدون مطالعات کامل اقدامی شود، این مناطق پذیرای میلیون‌ها تبعه خارجی جدید می‌شود. حتی موح وسیعی از مهاجران نیز از منطقه فقیر بلوچستان پاکستان با مختلف به ایران می‌شوند». هوشمند در اشاره به اینکه درحال حاضر دریای عمان و منطقه خلیج فارس هم درگیر بحران‌های منطقه‌ای است، ادامه داد: «با این وصف باید از معاون اول رئیس‌جمهور سؤال کرد که آیا در این زمینه مطالعاتی انجام شده است؟ پیوست‌های امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی چنین مطالعه‌ای کجاست و چرا در اختیار افکار عمومی قرار داده نمی‌شود؟ مطالعاتی که نه از سوی مؤسسات به‌ظاهر پژوهشی تحت اختیار دلالان تحقیقاتی که حتما باید از سوی کارشناسان و متخصصان متبحر در حوزه‌های مختلف انجام شده باشد تا بتواند نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدها را نشان دهد».

### چالش‌های فرهنگی منطقه

این تحلیلگر ایران‌شناسی با تاکید بر اینکه درحال‌حاضر کشور در دشوارترین و سخت‌ترین وضعیت اقتصادی قرار دارد و تعداد فقرا ی کشور در سال‌های اخیر با رشدی چشمگیر مواجه شده است، اضافه می‌کند: «آیا کشوری که توان گذر فوری و جدی از این شرایط را ندارد، امکانات مالی لازم برای تغییر پایتخت و سرمایه‌گذاری وسیع در این زمینه را دارد؟ قطعا پاسخ به این سؤال خیر است. دولت برای این سرمایه‌گذاری، نیازمند مشارکت بین‌المللی است، درحالی‌که ایران در بدترین دوره تاریخی به لحاظ مناسبات بین‌المللی قرار گرفته و مشکلات مالی ما را از اروپا و آمریکا تقریبا قطع شده است. در چنین شرایطی کدام سرمایه‌گذاری در قلمی در ایران انجام خواهد شد؛ بنابراین نتایج انجام چنین اقدامی قطعا مطلوب نبوده و تبعات منفی آن بیش از آثار مثبت آن خواهد بود».

## مشق روزانه

### خبر

## نابودی روزانه ۵۰۰ هکتار از سطح جنگل‌های کشور در ۱۶ سال گذشته

معاون آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست گفت: آمارها نشان می‌دهد از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۹ روزانه ۵۰۰ هکتار از سطح جنگل‌ها و مراتع کشور کم شده است. هادی کیدادیروی روز سه‌شنبه در جشنواره ملی تقدیر از پژوهشگران برتر سازمان حفاظت محیط زیست افزود: در همین بازه زمانی سه‌میلیون و ۶۰۰ هزار هکتار به اراضی باغی، کشت و دیم کشور اضافه شده است. سؤال این است حالا که این وسعت از طبیعت را از دست دادیم و به باغ و مزرعه تبدیل شدند، آیا به خودکفایی رسیده‌ایم؟ درحالی‌که امروزه واگذاری حتی یک وجب از خاک هم اشتباه است، بخش کشاورزی بیش از ۸۰ درصد منابع آبی کشور را مصرف می‌کند که باید در این روند بازبینی شود. همچنین صد میلیون هکتار از اراضی کشور پروانه اکتشاف و فعالیت معدن گرفته‌اند. حتی برخی اعتراض می‌کنند چرا در مناطق حفاظت‌شده اجازه فعالیت‌های معدنی داده نمی‌شود. این توسعه پایدار نیست که امروز از تمام داشته‌های خود استفاده کنیم و به فکر نسل آینده باشیم.

معاون آموزش و مشارکت های مردمی سازمان حفاظت محیط‌زیست تاکید کرد:

علت این است که در حوزه علم و پژوهش خوب عمل نکرده‌ایم. امروزه کشور با چالش‌ها و مشکلات محیط‌زیستی زیادی روبه‌رو است. البته این مشکلات همه جای دنیا وجود دارد، اما کشور ما به علت جغرافیای خاص و قرارداشتن در مرحله شتاب توسعه، بیشتر متأثر است؛ به‌طوری‌که در برخی موارد به ورشکستگی

رسیده‌ایم. برای حل این مسائل دیگر روش‌های سنتی جواب نمی‌دهد؛ باید به سمت به‌روزکردن علم خود و استفاده از فناوری‌های روز دنیا حرکت کنیم. محیط زیست بزبانی حیات موجودات است، باید از آن به خوبی محافظت کنیم. کیدالیری افزود: اگر می‌خواهیم چالش‌های محیط‌زیستی را برطرف کنیم، چاره‌ای جز توسعه پژوهش نداریم. یکی از معضلات در این زمینه، روش سنتی کشاورزی با هدف امنیت غذایی است، البته اگر درست اجرا شود، مشکلی پیش نمی‌آید، اما زمانی که تاب‌آوری محیط زیست در این فرایند نادیده گرفته شود، مشکل‌ساز می‌شود. ما به ضرورت تحقیقات در راستای حفظ محیط زیست

پی‌برده‌ایم؛ درحالی‌که در کشورهای توسعه‌یافته، هیچ بخش اجرائی‌ای بدون تحقیق کاری انجام نمی‌دهد.

وی تصریح کرد: سؤال این است این همه دانشگاه و مراکز تحقیقاتی داریم، چرا با این حجم مشکلات محیط‌زیستی مواجه هستیم؟ به نظر باید به این مسئله با دقت نظر بیشتری پرداخته شود، باید در نظر داشته باشیم که تحقیقات و پژوهشی که انجام می‌شود در فکر رفع حداقل یک مشکل محیط‌زیستی در کشور باشد.

عده‌ها حفاظت از محیط زیست برآید، باید پژوهشگران و محققان در کنار سازمان‌های مربوطه قرار گیرند. از سوی دیگر، کمبود اعتبارات پژوهشی و گاهی مسائل سیاسی هم در این مسیر مشکل‌ساز است.

وی با تاکید بر اینکه تحقیقات در مسائل محیط‌زیستی بی‌رقم شده است، گفت: اگر نتوانیم در چنین شرایطی و با کمبود بودجه تحقیقاتی پژوهش را نظام‌مند کنیم، به نتیجه نخواهیم رسید. متأسفانه شاهد تحقیقاتی محیط‌زیستی و منابع طبیعی هستیم؛ اما مشکلات محیط زیست کشور حل شده که این مراکز تعلیم می‌شوند؟ باید به علم و پژوهش اهمیت بدهیم، در غیر این صورت مشکلات به حدی بزرگ می‌شوند که قابل حل نخواهند بود.

همچنین رئیس پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار گفت: برای مقابله با چالش‌ها و ابرچالش‌های محیط‌زیست مانند آلودگی هوا، تغییر اقلیم و انواع بیماری‌های حیات وحش نیازمند تقویت پژوهش و کارهای تحقیقاتی هستیم.

جلیل بادام‌فیروز افزود: در این راستا باید دانش خود را به‌روز کنیم و موضوعات پژوهشی در راستای رفع این چالش‌ها باشد. اعتقاد داریم سازمان حفاظت محیط زیست علاوه بر نقش نظارتی، در ابعاد و سطوح بالاتر باید برای تصمیم‌سازان در زمینه حفظ محیط زیست فکر تولید کند؛ بنابراین برای ایفای درست این نقش باید یافته‌های خود را به‌روز کنیم.